
نویسنده: سٹیپ جرمی «Steve Jer»

منبع و تاریخ نشر: گلوبال ریسرچ «2025-01-29»

برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .



**در حال حاضر ناتو نمی تواند در جنگ با روسیه
پیروز شود**

***Right now NATO could not win a war with
Russia***

آیا نیروهای متحد به چشم انداز صلح پایدار کمک می کنند یا آسیب می
رسانند؟ این کمدور بازنشسته نیروی دریایی سلطنتی افکاری دارد

***Are the allied forces helping or hurting the prospects of a
sustainable peace? This retired Royal Navy commodore has
some thoughts.***

در سال 2024، لوید آستین، وزیر دفاع سابق آمریکا، با با زتاب یک باور عمومی غربی، گفت: "ناتو قدرتمندترین و موفق‌ترین اتحاد تاریخ است." با این حال، تنها دو سال قبل از آن، در سال 2022، پس از یک مبارزات انتخاباتی 15 ساله، ناتو توسط طالبان، گروهی متشکل از شورشیان ضعیف مسلح، شکست خورد.

چگونه می‌توان شکست تحقیرآمیز ناتو و دیدگاه آستین را آشتی داد؟

البته ناتو هرگز قدرتمندترین ائتلاف نظامی در تاریخ نبود - این تمجید مطمئناً به متحدان جنگ جهانی دوم می‌رسد: ایالات متحده، روسیه، بریتانیا و کشورهای مشترک المنافع. با این وجود، پس از سال 1945، ناتو کار خود را انجام داد، آن را به خوبی انجام داد، و ما که در آن خدمت کردیم، به انجام آن افتخار می‌کردیم.

با این حال، از زمان فروپاشی دیوار برلین، رکورد آن خدشه دار شده است. در کوزوو رضایت بخش است. در افغانستان تحقیر شد. شکست استراتژیک در اوکراین آیا واقعاً مطمئن هستیم که ناتو در سناریوی روز قیامت جنگ متعارف ناتو و روسیه، وظیفه دفاع از اروپای دموکراتیک در برابر روسیه ظاهراً توسعه طلب را دارد؟

سناریوی جنگ روز قیامت ناتو و روسیه راه تعیین‌کننده‌ای برای بررسی این سوال است. «آماتورها درباره تاکتیک‌ها صحبت می‌کنند، متخصصان تدارکات را مطالعه می‌کنند» و تحلیل استراتژیک ما باید از نواحی پشتی لجستیک ناتو شروع شود، سپس به سمت خط نبرد آینده در قاره اروپا کار کند.

اولاً، برخلاف روسیه، هیچ کشور بزرگ ناتو از نظر صنعتی برای جنگ بسیج نشده است، همانطور که این واقعیت نشان می‌دهد که روسیه همچنان در حال پیشی گرفتن از ناتو در گلوله‌های 155 میلی‌متری برای اوکراین است. اتفاقاً این دیدگاه را به دروغ نشان می‌دهد که روسیه آماده است بیشتر اروپا را تصاحب کند - اگر ما در ناتو واقعاً به این باور داشتیم، همه با سرعت بسیج می‌شدیم.

مهمتر از آن، مشخص نیست که ناتو بتواند با سرعت یا مقیاس مورد نیاز برای تولید تجهیزات، مهمات و افراد متناسب با روسیه بسیج شود. و مطمئناً نه بدون ایجاد طولانی که قصد ما را نشان دهد. این فقط در مورد از دست دادن ظرفیت صنعتی نیست، بلکه ظرفیت مالی نیز از دست رفته است. از میان بزرگترین کشورهای ناتو، تنها آلمان نسبت بدهی به تولید ناخالص داخلی زیر 100 درصد دارد.

دوم، برای داشتن دورترین شانس موفقیت در این سناریوی آخرالزمان جنگ ناتو و روسیه، نیروهای ایالات متحده باید در مقیاس بزرگ در قاره اروپا مستقر شوند. حتی اگر ارتش ایالات متحده در مقیاس لازم ایجاد شود - با تأسیس 473000 نفر در سال 2023، کمتر از یک سوم ارتش فعلی روسیه، اینطور نیست - اکثریت قریب به اتفاق تجهیزات و تدارکات آمریکایی باید از طریق دریا سفر کنند.

در آنجا، آنها در برابر اژدرها و مین های پرتاب شده از زیردریایی های روسی آسیب پذیر خواهند بود. من به عنوان یک متخصص سابق جنگ زیر آب، معتقد نیستم که ناتو در حال حاضر به اندازه نیروهای ضد زیردریایی یا جنگ مین مورد نیاز برای محافظت از خطوط ارتباطی دریایی اروپا را دارد.

با این حال، این نیروها نمی توانند با موفقیت از واردات هیدروکربن اروپا، به ویژه نفت و LNG که برای بقای اقتصادی اروپا حیاتی هستند، محافظت کنند. خسارات ناشی از آسیب پذیری منابع دریایی ما نه تنها تولید نظامی را کاهش می دهد، بلکه باعث تسریع مشکلات اقتصادی برای شهروندان ناتو می شود، زیرا افزایش قیمت ها و کمبود انرژی همراه با شروع جنگ به سرعت فشار سیاسی برای حل و فصل را تشدید کرد.

سوم، فرودگاه ها، بنادر دریایی، پایگاه های آموزشی و لجستیکی ما در معرض حمله موشک های بالستیک متعارف قرار می گیرند که در برابر آن دفاع بسیار محدودی داریم. در واقع، در مورد موشک اورشونیک، هیچ دفاعی وجود ندارد.

یک موشک اورشونیک که با سرعت 10 ماخ به بالا می رسد، یک کارخانه اسلحه سازی ناتو یا پایگاه نیروی دریایی، ارتش و نیروی هوایی را ویران می کند. همانند اوکراین، عملیات بالستیک روسیه زیرساخت های حمل و نقل، لجستیک و انرژی ما را نیز هدف قرار خواهد داد. در سال 2003، زمانی که من برای کارکنان برنامه ریزی سیاست وزارت دفاع بریتانیا کار می کردم، تحلیل تهدیدات پس از 11 سپتامبر ما نشان داد که حمله موفقیت آمیز به ترمینال LNG، مانند میلفورد هاون، روتردام، یا بارسلونا، پیامدهای زیر هسته ای خواهد داشت. امواج شوک اقتصادی متعاقب آن به سرعت در سراسر قاره اروپا موج می زند که اکنون به طور فزاینده ای به LNG وابسته است.

چهارم، برخلاف روسیه، نیروهای کشورهای ناتو گروهی ناهمگن هستند. تجربه شخصی من، در حین هدایت آموزش فراساحلی همه کشتی های جنگی اروپایی در آموزش دریای افسر پرچم در پلیموث، و بعداً کار با نیروهای ناتو در افغانستان، این بود که همه نیروهای ناتو به طور استثنایی مشتاق بودند، اما سطوح بسیار متفاوتی از پیشرفت فن آوری و اثربخشی آموزش دیده داشتند.

شاید مهم تر از آن در عصر حاضر، به غیر از تعداد معدودی از مربیان ناتو که در اوکراین مستقر شده اند، نیروهای ما بر اساس «دکترین مانور» پیش از پهباد آموزش دیده اند و هیچ تجربه واقعی از جنگ های فرسایشی مدرن همتا به همتا ندارند. ارتش روسیه در حال حاضر نزدیک به سه سال تجربه دارد و بدون شک در جنگ سخت ترین ارتش جهان است.

پنجم، سیستم تصمیم‌گیری ناتو دست و پا گیر است، زیرا نیاز به برقراری ارتباط دائمی از مقر عالی قدرت‌های متفقین در اروپا به پایتخت‌های ملی مختل شده است - این پیچیدگی هر بار که کشور دیگری پذیرفته می‌شود بدتر می‌شود.

بدتر از آن، ناتو نمی‌تواند استراتژی انجام دهد. مدت کوتاهی پس از ورود به افغانستان در سال 2007، وقتی متوجه شدم که ناتو هیچ استراتژی مبارزاتی ندارد، شوکه شدم. در سال 2022، علی‌رغم هشدارهای متعدد روسیه در مورد گسترش ناتو که خط قرمز را تشکیل می‌دهد، ناتو از نظر استراتژیک برای احتمال آشکار وقوع جنگ کاملاً آماده نبود - همچنان که ناتوانی ما در مطابقت با تولید گلوله‌های 155 میلی‌متری روسیه نشان می‌دهد.

حتی در حال حاضر، در سال 2025، استراتژی ناتو در اوکراین مبهم است، که شاید به بهترین شکل به عنوان "دوباره و امید" خلاصه شود.

به طور خلاصه، ناتو خود را به عنوان مدافع اروپا قرار می‌دهد، اما فاقد ظرفیت صنعتی برای حفظ نبردهای هم‌تا به هم‌تا است، برای دورترین شانس موفقیت، کاملاً به نیروهای ایالات متحده وابسته است، و نمی‌تواند به طور رضایت بخشی از خطوط ارتباطی دریایی خود در برابر روسیه دفاع کند. زیردریایی یا زیرساخت‌های آموزشی و صنعتی آن در برابر بمباران استراتژیک بالستیک، از ترکیبی متنوع از نیروهای متعارف خون‌آلود تشکیل شده است. و فاقد ظرفیت تفکر و عمل استراتژیک است.

نمی‌توان یک پیروزی آسان ناتو را تصور کرد، و من می‌ترسم که خلاف آن برای من بسیار محتمل‌تر باشد.

پس چی؟ به طور متعارف، اکنون می‌توانیم چگونگی رفع ضعف‌های آشکار آشکار شده را بررسی کنیم. ممیزی‌های استراتژیک برای تأیید شکاف‌های قابلیت تجزیه و تحلیل برای بررسی نحوه پر کردن شکاف‌ها. کنفرانس‌هایی برای تصمیم‌گیری در مورد اینکه چه کسی چه کاری انجام می‌دهد و هزینه‌ها در کجا باید کاهش یابد. در حالی که همیشه در حال غرق شدن است، با وجود تمام شواهد برعکس، امیدواریم که ناتو در نهایت در اوکراین پیروز شود.

اما بدون توافق متفق القول کشورهای ناتو برای افزایش سرمایه‌گذاری نظامی در مقیاس، ما خوش‌شانس خواهیم بود که این کمبودهای توانایی را ظرف ده سال حل کنیم، چه برسد به پنج سال.

یا می‌توانیم به قضاوت بسیاری از واقع‌گرایان غربی برگردیم تا - سرانجام - قضاوت بسیاری از واقع‌گرایان غربی را در نظر بگیریم که توسعه ناتو کاغذ لمسی برای جنگ روسیه و اوکراین بود. روس‌ها بارها و بارها به ما هشدار دادند که چنین گسترشی یک

خط قرمز است. همینطور برخی از بزرگترین متفکران استراتژیک ما، از جورج کنان در سال 1996، هنری کیسینجر، جک مائلوک، حتی بیل برنز در تلگرام دیپلماتیک معروف خود «Nyet به معنای Nyet» و اخیراً جان میرشایمر با پیش‌بینی‌هایش در سال 2014. همه نادیده گرفته شد.

حقیقت این است که ناتو اکنون برای مقابله با تهدیدات ناشی از ادامه حیات خود وجود دارد. با این حال، همانطور که سناریوی ما نشان می‌دهد، ناتو ظرفیت شکست دادن تهدید اولیه‌ای را که ادامه حیات آن ایجاد کرده است، ندارد.

بنابراین شاید اکنون زمان گفتگوی صادقانه در مورد آینده ناتو و طرح دو سوال است. چگونه به صلح پایدار در اروپا که همه طرف‌های درگیری به دنبال آن هستند بازگردیم؟ آیا ناتو مانع اصلی این صلح پایدار است؟

چند سطر در مورد نویسنده این مقاله :

استیو جرمی استیو جرمی، کمدور نیروی دریایی سلطنتی، کشتی‌های جنگی را در اسکادران پنجم ناوشکن و ناوگان هوایی بریتانیا فرماندهی می‌کرد. او در جنگ فاکلند و در آدریاتیک برای مبارزات بوسنی و کوزوو خدمت کرد و پس از یک تور عملیاتی در سال 2007 به عنوان مدیر استراتژی در سفارت بریتانیا در افغانستان بازنشسته شد. او نویسنده استراتژی اقدام : استفاده عاقلانه از نیرو در قرن بیست و یکم است و اکنون در زمینه انرژی فراساحلی کار می‌کند.

----- **با تقدیم احترامات «2025-02-02»**

